



محمد مهدی اسلامی

## یاران سید، فرزندان امام...

برخاستند، مظلومانه به شهادت رسیدند و با بسیاری از «آن پیشکسوتان شهادت و خون، در پیچ و خم زندگی روزمره به فراموشی سپرده شدند»

شاید عظمتی چنین خالصانه در میان نیروهای فدائیان اسلام بود که شهید دکتر بهشتی را این گونه به توصیف آنان واداشت: «جناب آقای هاشمی، این همت بلندی که در شما و در نیروهای شما می بینم و این همه پشتکار و این همه استقامت در برابر مشکلات که به راستی مثال زدنی و درسی برای بعضی هاست، فقط و فقط می تواند بازتابی باشد از یک قلب سلیم و مملو از نور ایمان به خدای لاشریک»

با چنین ایمانی، چندان عجیب نیست که شهید فلاحی در تجلیل از شهید هاشمی و یارانش می گوید: «هاشمی و طرز تحمل و مقاومت و برخورد او با وجود این همه کمبودها و کاستی ها و جنگ و جدالها از این سو و آن سو، حرف و حدیث شفتن ها، ولی لب فرو بستن ها و بساز مردانه با چنگ و دندان جانانه ایستادگی کردن و گوش به فرمان امام بودن و به باوه گوئی علی اعتنا نکردن و نگاه ایشان به جنگ و دفاع از میهن اسلامی و از همه مهم تر چگونه جنگیدن و چگونه مقاومت کردن این مرد بزرگ، اینها همه و همه بارها و بارها موجب حرکت و نشاط شده و روحیه بلند و آسمانی ایشان مرا به وجد می آورد»

ایسن فقط شهید عارف، دکتر چمران نیست که می گوید: «هاشمی جان! تو فرماندهای هستی که ما به تو افتخار می کنیم» شهید صیاد شیرازی نیز در وصف او گفته است: «قد و قامت رعنا سیدمجتبی هاشمی و آن دلاوری و آن رشادت ها و آن سیمای نورانی، همیشه مرا به یاد حمزه سیدالشهدا می انداخت» وقتی رشادتهای این جمع را می بینی، تازه معنای سخن رهبر فرزانه مان را می فهمی که: «سیدمجتبی آن روزها در خرمشهر و آبادان برای خودش حال و هوایی داشت»

پاورقی:

متن آن پیام چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم،

تیمسار سرتیپ فلاحی، تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد، و جناب آقای محسن رضایی - ایدهم الله تعالی.

تاکسراف شما در خصوص فتح بزرگ که خداوند تعالی نصیب ارتش، نیروی هوایی و هوانیروز، سپاه پاسداران، بسیج، ژاندارمری، فدائیان اسلام، و سایر نیروهای مردمی فرموده و محاصره آبادان به طور کامل شکسته شده است واصل گردید. اینجانب این پیروزی بزرگ را به فرماندهان تمامی نیروهای مسلح و به سربازان ارجمند و سپاهیان نیرومند تبریک می گویم. و امید است این سرفرازی ها را که برای اسلام و میهن فراهم می کنند منظور نظر مبارک ولی الله الاعظم، بقیه الله - ارواحنا له الفداء - باشد. و آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمین های میهنمان است، ملت شریف به زودی مشاهده کند. اینجانب به اسم ملت بزرگ ایران از رزمندگان دلیر ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح - ایدهم الله تعالی - تقدیر و تشکر می کنم. از خداوند متعال توفیق، نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و به خصوص نیروهای مسلح اسلامی را خواستار است. والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمينی. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۲۵۵)

فرمانده گروهی بود که شناختن و بزرگی های آن شاید ناگفته هائی از تاریخ مقاومت ما را روشن سازد.

یکی از شاخص ترین چهره ها در میان یاران سید مجتبی هاشمی در این گروه، شهید شاهرخ ضرغام بود. او یکی از دلاور مردانی بود که به تعبیر همرزمانش «اعتقاد داشت: «به برکت وجود امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، خیلی از اشخاص به تعبیری «حرز زمانه» شدند.» او بارها می گفت: «اگر افکار انسان اصلاح شود، اگر اندیشه ها اصلاح شوند، رفتار انسان ها هم اصلاح خواهد شد.»

امام به درستی خود را پدر این جماعت خوانده بودند، زیرا در استعلائی آنها و تغییر و کمالشان نقشی بی بدیل را ایفا کرده بودند و شاید از همین روی بود که شهید ضرغام روی سینه اش خالکوبی کرده بود: «خمینی فدایت شوم.» می گفتند: «وقتی راه می رفت، زمین زیر پایش تکان می خورد. شیر بیشه جنوب بود و وقتی می غریب، بهمشتیر و نخلستان های ذوالفقاریه، رستم را به یاد می آوردند، اما او زور و قوتش را از عشق مولایش علی (ع) می دانست و غرورش تنها در برابر دشمن بود.

چندی پیش، از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی با موضوع «حصر آبادان»، مصاحبه ای از او پخش شد که او را در خط مقدم یکی از جبهه های آبادان نشان می داد و وی با ایمان و صدق و صفای تمام، سخن می گفت و پیروزی نهایی برای ایران اسلامی و شهادت را برای خود آرزو می کرد. او از چنان رشادتی برخوردار بود که بدون سلاح به درون جبهه دشمن یورش می برد و با غنایمی که برای مبارزین بی سلاح چون آب حیات بود، باز می گشت.

در واهمه دشمن از او همین بس که برای سرش ۱۱ هزار دینار

**امام به مرحوم شهاب فرموده بودند: «سلام مرا به آقای سید مجتبی هاشمی برسانید و بگوئید از آقایان وصف زحمات و رشادت های شما را بارها شنیده ام، خلوص شما و همه رزمندگان در حال نبرد با متجاوزین برای من که شماها را فرزندان خود می دانم، باعث مباهات و افتخار است و بنده همه رزمندگان اسلام را دعا می کنم.»**

عراقی تعیین کرده بودند! سرانجام در ۱۷ آذر ۵۹ شهادت نصیب او گردید و پیکر پاک و مطهرش در منطقه جنگی آبادان باقی ماند. پیکر بی سرش را در تلویزیون عراق نشان و به او با ادبیات ویژه بعثیون، دشنام دادن، ولی هیچگاه پیکرش پیدا نشد. مزار او هم اینک در قلوب جمع رزمندگانی است که واله صداقت و خلوص او بودند.

سید مجتبی امثال شاهرخ را دیده بود که می گفت: «تازه وقتی اسلحه از یک رزمنده گرفته شد، ابتکار رزمنده است که باید شروع شود.» و در میان فدائیان اسلام، چنین چهره هایی بسیار بودند، چهره هایی که بی هیچ ادعائی به دفاع از اعتقاداتشان

حاج احمد شهاب، یکی از مبارزین به نام فدائیان اسلام بود که در سال های پس از شهید نواب صفوی نیز دست از مبارزه نکشید. او یکی از بازماندگان فدائیان اسلام بود که به حمایت از نیروهای مردمی حاضر در خرمشهر و آبادان (موسوم به فدائیان اسلام) اقدامات ارزنده بسیاری کرد. او اندکی پیش از آنکه در خردادماه دو سال قبل به یاران خویش بپیوندد، برای فرزند شهید از دیداری که با امام داشت، خاطره ای را نقل کرده و گفته بود که در آن ملاقات امام به او فرموده بودند: «سلام مرا به آقای سید مجتبی هاشمی برسانید و بگوئید از آقایان وصف زحمات و رشادتهای شما را بارها شنیده ام، خلوص شما و همه رزمندگان در حال نبرد با متجاوزین برای من که شماها را فرزندان خود می دانم، باعث مباهات و افتخار است و بنده همه رزمندگان اسلام را دعا می کنم»

اگرچه در این ششماره از شاهد یاران، دستمان از او کوتاه بود و توان دیدار با او و بررسی ابعاد آن دیدار را نداشتیم، اما از سال ۱۳۷۹ که برای اولین بار برای ضبط خاطرات به سراغ او شتافته بودم تا اندکی پیش از فقدانش، بارها دقت او را در نقل خاطرات سنجیده و رشک برده بودم که پیرمرد با این سن و سال و این همه حادثه، چه حافظه دقیق و چه بازپرداخت جزئی نگرانه ای داشت و از این رو به راحتی به نقل قول او از امام اعتماد نمودم. نیکوتر آنکه از تقدیر امام از مبارزین «فدائیان اسلام» در جنگ اسناد رسمی نیز در دست می باشد. امام در پیام مشهورشان در تشکر از فرماندهان ارتش و سپاه در تاریخ ۵ مهر ۱۳۶۰، پس از شکست حصر آبادان که خطاب به فرماندهان ارتش جنگ نگاشته شده بوده افزود بر اشاره به نقش ارتش و سپاه و بسیج، «فدائیان اسلام» را نیز به تصریح نام می برند تا در تاریخ دفاع مقدس، نام این گروه مردمی به دست فراموشی سپرده نشود. اما در واگوییهای خاطرات و در بازنویسی تاریخ جنگ، شاید این گروه که کمترین وابستگی را به ارکان های رسمی داشتند، بیش از دیگران مظلوم واقع و به فراموشی سپرده شدند. اینان گروهی بودند که از متن مردم برخاسته و در روزهای مظلومیت جنگ، برای دفاع از میهن قیام کرده بودند. سید مجتبی هاشمی



شهید شاهرخ ضرغام